



Original Research

The Role Of Technology In The Process Of Investigation

Maryam Ahmadi^{1*}, Matin Bazyar²

1 Master's student in Private Law, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 Master's student in Private Law, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Article ID: ahrar-45962

<p>Received: December 25, 2023</p> <p>Accepted: January 3, 2024</p> <p>Available online: March 18, 2024</p> <p>Keywords: Information technology, communication technology, court, civil procedure.</p> <p>Main Subjects: Civil law</p>	<p>Abstract</p> <p>Today, Information technology has penetrated all sectors of society and its impact on the advancement of processes is significant. The judiciary and the prosecution are not exempt from this and application of technology in this area is popular all over the world. Although discussion on the possible use of technology in this sector is not very old but from the beginning it has been met with reception and introduction of proposals in various areas, in order to better use in the administration of justice. Our country is also not far behind and use of technology in the judiciary is following up with related laws and regulations. The necessity of application in this section has been the subject of many studies and articles and some Recommendations has been provided for use in proceedings that they has been more in the field of criminal procedure. However Study about the issue that technology specifically in which procedural steps and sections could be used or not, is novel and although necessary to know. In this article, by investigating details of civil procedure form and looking in to each parts from possible use or non-use of technology, effort has been to inaugurate an opening to offer new recommendations</p>
---	---

*Corresponding Author: Maryam Ahmadi

Address: Master's student in Private Law, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: m.ahmadi@gmail.com

Extended Abstract

1. Introduction

The two main characteristics of technology, regardless of its type and application, are the lack of conscience and the lack of time and place limitations. The use of this phenomenon in the process of handling claims in order to improve the efficiency of proceedings - which is studied under the title of soft de-formalization - It is inevitable. The logic of zero and one and compliance with pre-designed program rules in technology, although it is helpful in the advancement of many matters, but these features will make it impossible to use in some parts during the proceedings. Directions faces limitations, but what distinguishes it from the most complex and efficient technologies.

2. Theoretical Framework

The vast majority of writers and legal scholars recognize the necessity of technology involvement in proceedings and have provided opinions and suggestions in this regard. These opinions, while valuable, are scattered and only consider some parts of the proceedings and cannot be a clear guide for the judiciary and related managers to implement technology in a suitable and efficient way. In this article, we will seek to examine each of the formal stages of civil and criminal proceedings according to the characteristics of each stage and determine the type and extent of technology use in it.

3. Methodology

The present research was written by the method of library study and review of documents, regulations, rules and other articles.

4. Results & Discussion

In general, the use of technology is only possible in formal parts of the process, however, in this same part, we come across actions that, due to some characteristics, do not require the use of technology. Testimony, oath and confession are such cases because these things are not very reliable for the courts in a live and visual way, let alone that it is easier to use them electronically. With this, a part of the power and time of the investigation should be spent on the objection of the other party to the authenticity and validity of this information, regardless of their content. It will be more reasonable if the people related to the judiciary are mandatory. The use of these tools by the judge, the office manager, the notification and enforcement units of jurisdictions, the execution of court orders, lawyers and official experts is necessary to perform their duties. It was noted that there are many people who are deprived of or do not need the use of the Internet in their daily lives, in the sense that the use of technology should not be presented to the public on an equal level and in a compulsory manner. There are people who need a higher level, for example, to the extent of holding a court with video conference. Provision of regulations to prevent disorder and lack of uniformity is another important issue. The separation of court branches will be the solution to this irregularity, in the sense that electronic branches equipped with advanced systems will be assigned to meet the needs of litigants who want proceedings to be conducted relying on more advanced technology. and other branches should have these equipments at the elementary level so that ordinary people who are not familiar with them can pursue their



lawsuits by visiting in person. related systems. Technology will cause the knowledge of the human force, and using it in an organization will cause the scientific force to replace the manual and non-scientific force.

5. Conclusions & Suggestions

In order to advance these goals, the judiciary does not have the possibility of mere privatization in different departments. The judicial system has always been associated with a kind of confidentiality, so it is impossible to provide the information about the lawsuits of the members of the society to the private sector, because if the information becomes public, we will face some kind of disorder.

جایگاه فناوری در جریان رسیدگی به دعاوی

مریم احمدی^{۱*}، متین بازاریار^۲

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

کد مقاله: ahrar-45962		
چکیده	تاریخ دریافت: ۴ دی ۱۴۰۲	
امروزه فناوری اطلاعات در تمام بخش های زندگی افراد جامعه رخنه کرده است و تاثیر آن در پیشبرد انواع فرایندها، چشم گیر بوده است. دستگاه قضایی و امر دادرسی از این مورد مستثنی نیستند و کاربرد فناوری در این حوزه در نقاط مختلف دنیا رایج می باشد. هر چند بحث امکان استفاده از فناوری در این بخش قدمت چندانی ندارد اما از همان آغاز با استقبال و ارائه ی پیشنهاد در زمینه های مختلف، به منظور کاربرد بهتر در جهت اجرای عدالت مواجه شده است. کشور ما نیز از این قافله جا نمانده و کاربرد فناوری در قوه ی قضاییه با تصویب قوانین و آیین نامه های مرتبط به جد پیگیری می شود. ضرورت استفاده در این بخش، موضوع بسیاری از پژوهش ها و مقالات بوده است که البته در این میان پیشنهادهای برای استفاده در مراحل مختلف دادرسی ارائه شده که بیشتر در زمینه ی دادرسی کیفری بوده است. اما پرداختن به این مطلب که فناوری به طور خاص در کدام مراحل و مقاطع دادرسی قابلیت استفاده یا عدم استفاده را دارد، امری بدیع و البته بررسی آن بسیار ضروری است. در پژوهش پیش رو با پرداختن جزئی به روند شکلی دادرسی مدنی و بررسی هر مرحله از لحاظ امکان یا عدم امکان استفاده از فناوری، سعی در گشودن سرآغازی برای ارائه ی نظرات و پیشنهادهای جدیدتر در این زمینه شده است.	تاریخ پذیرش: ۱۳ دی ۱۴۰۲	
	کلیدواژه ها: فناوری اطلاعات، فناوری ارتباطات، دادگاه، دادرسی مدنی	تاریخ انتشار: ۲۸ اسفند ۱۴۰۲
	موضوعی: حقوق مدنی	

*نویسنده مسئول: مریم احمدی

آدرس: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ایمیل: m.ahmadi@gmail.com

۱- مقدمه

دو ویژگی اصلی فناوری صرف نظر از نوع و کاربرد آن، فقدان وجدان و عدم محدودیت از نظر زمان و مکان است. کاربرد این پدیده در جریان رسیدگی به دعاوی به منظور ارتقای کارآمدی در دادرسی - که تحت عنوان تشریفات زدایی نرم بررسی می‌گردد - امری اجتناب ناپذیر است. منطق صفر و یک و رعایت ضوابط برنامه‌ای از پیش طراحی شده در فناوری اگرچه در پیشبرد بسیاری امور یاری کننده است اما همین ویژگی‌ها سبب عدم امکان استفاده در بعضی بخش در جریان دادرسی خواهد شد. انسان اگرچه دچار فراموشی می‌شود و از بسیاری جهات با محدودیت‌هایی مواجه است اما آنچه او را از پیچیده‌ترین و کارآمدترین فناوری‌ها متمایز می‌کند، برخورداری از وجدان و عقل پویاست. همین ویژگی، فصل انسان از حیوانات است و از این رو حیوان ناطق نامیده می‌شود. عدالت، آرمانی ناشی از همین ناطقیت انسان است و برقراری عدالت جز با عقل و وجدان ممکن نیست و نمی‌توان این امر را به فناوری سپرد. می‌دانیم دادرسی از دو بخش شکلی و ماهوی تشکیل می‌شود. پیشبرد امور ماهوی در دادرسی، بدون بهره بردن از عقل و وجدان امکان پذیر نیست و چون فناوری فاقد این ویژگی است نمی‌تواند در این بخش از دادرسی جایگاهی داشته باشد. تعیین حدود دخالت فناوری در بخش شکلی دادرسی چندان ساده نیست و به عبارت دیگر گرچه سهولت و سرعت ارمغان کاربرد فناوری در دادرسی است اما این همیشه به نفع طرفین، مقام رسیدگی کننده و دادگستری نیست. اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان و علمای علم حقوق بر ضرورت دخالت فناوری در دادرسی معترفند و در این زمینه نظرات و پیشنهادهای ارائه داده‌اند. این نظرات در عین ارزشمندی، به شکلی پراکنده و تنها با در نظر گرفتن بعضی بخش‌های جریان دادرسی است و نمی‌تواند راهنمای روشنی برای قوه قضاییه و مدیران مربوط در جهت پیاده کردن فناوری به شکلی مناسب و کارآمد باشد. در این نوشتار به دنبال بررسی هر یک از مراحل شکلی دادرسی مدنی و کیفری با توجه به ویژگی هر مرحله و تعیین نوع و میزان کاربرد فناوری در آن خواهیم بود.

۲_ مفاهیم و سابقه در کشورهای مختلف

۱-۲- مفهوم فناوری و جریان دادرسی

فناوری مجموعه‌ای از نظام‌ها، پردازش‌ها و روش‌هایی است که در ارتباط با مجموعه‌ای از فعالیت‌های موثر و اثربخش، توسعه یافته است. طرح و بیان فناوری به قرن هجدهم و شروع انقلاب صنعتی باز می‌گردد اما فناوری اطلاعات و رشد آن به دوران معاصر مربوط است. در واقع فناوری اطلاعات به منظور ارتقای روش‌های بهینه‌ی بهره‌گیری از خدمات اطلاعاتی، در سازمان‌ها از رشد بالایی برخوردار بوده است. فناوری به طور کلی شامل دو بخش اطلاعات (IT) و ارتباطات (CT) می‌گردد. هر یک می‌تواند به صورت سخت افزارها، نرم افزارها و شبکه‌های ارتباطی باشد که محور آن رایانه، به منظور انباشت اطلاعات و شیوه‌های ارتباط از راه دور به منظور امکان پخش و توزیع این اطلاعات در سطح وسیع است. تعریف دیگر از فناوری اطلاعات عبارت است از آماده سازی، گردآوری، ارسال، بازیابی، ذخیره سازی، دست‌یابی، ارائه و تغییر شکل اطلاعات در تمامی انواع و قالب‌های آن مانند صدا، گرافیک، متن، ویدئو و تصویر. (درودی، ۱۳۸۹: ۲۱)

¹ Information Technology

² Communication Technology

دادرسی در لغت به معنای به داد مظلوم رسیدن، رسیدگی به دادخواهی دادخواه و محکمه آمده است. در اصطلاح حقوقی دادرسی دو معنای اعم و اخص دارد. معنای اعم عبارت است از رسیدگی مرجع قضاوتی به درخواست متقاضی، برای صدور رای، با لحاظ پاسخی می باشد که طرف مقابل عندالاقضا مطرح می نماید. در مفهوم اخص شامل اعمال رسیدگی در جلسه دادگاه است (شمس، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱۲). دادرسی اصولاً تشریفاتی است و قواعد آن ضامن امنیت و طمانینه هستند. در این بحث منظور از دادرسی مجموعه اعمال شکلی است که از زمان اقامه دعوا تا صدور و اجرای رای توسط دادگاه یا افراد و سازمان‌های مرتبط با آن صورت می گیرد. دادرسی الکترونیکی به استفاده از ابزارها و روش‌های الکترونیکی ارتباطی و اطلاعاتی برای طرح دعوا در دادگاه و انجام فرایند دادرسی از تسلیم دادخواست و شکواییه و ابلاغ اوراق قضایی به دعوا و دلایل و صدور رای و اجرای آن است. به نظر یک قاضی برزیلی وجود هفت ویژگی برای دادرسی الکترونیکی ضروری است: ماهیت حقوقی، اتصال به شبکه واسطه‌گری، ماهیت فوق واقع، تعامل، فوریت و فرامرزی بودن (محسنی و رضایی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۲). از سوی دیگر مفهوم «مدیریت پرونده‌های قضایی» به این بحث مربوط است و به معنای استفاده از سامانه‌ای است که اطلاعات و خدمات مناسب را به اصحاب دعاوی، قضات، وکلا و کارشناسان، کارمندان دفتری و اداری از طریق رایانه ارائه می دهد. با این روش، کارایی دادگستری افزایش یافته و در نهایت ارزیابی آن مطلوب خواهد بود (همان: ۳ و ۴).

۲-۲- سابقه ی کاربرد در کشورهای مختلف

در کشورهای فرانسه، ایتالیا، آلمان، ایالات متحده و انگلستان بر ماهیت اختیاری بودن استفاده از روش‌های الکترونیکی در جریان دادرسی تاکید کرده اند. (زرکلام، ۱۳۹۱: ۵ و ۴) اصلاحات سال ۲۰۰۲ در قانون آیین دادرسی مدنی آلمان، امکان استفاده از فناوری نوین ارتباطی را به صراحت پیش بینی نموده و در ماده ۱۰۳ این قانون ارزش و اعتبار اسناد و مدارک الکترونیکی را با مکتوب برابر دانسته است (محسنی و غمامی، ۱۳۹۲: ۷۷). در باب بیست و یکم کد آیین دادرسی مدنی فرانسه، به تبادل اطلاعات به شیوه الکترونیکی پرداخته شده است. در این مواد به توافقی بودن استفاده از این شیوه و نیز حق بر نسخه‌ی کاغذی تصریح شده است. به موجب تصویب نامه ۲۰۱۲-۳۳۶ مورخ ۱۵ مارس ۲۰۱۲ اسناد، مامور ابلاغ و اجرای دادگستری در زمینه‌ی ابلاغ رسمی به شیوه الکترونیک و ابلاغ در عرصه بین المللی در کنار ابلاغ رسمی کاغذی، ابلاغ الکترونیکی در نظر گرفته شده است و این نوع ابلاغ جز با توافق گیرنده موثر نخواهد بود. این تصویب نامه، ابلاغ الکترونیک را در صورتی واقعی می داند که گیرنده در همان روز از آن مطلع گردد (محسنی، ۱۳۹۳: ۳۳-۳۵). از سوی دیگر این رضایت و اختیار با استفاده وکیل یا طرف دعوا از روش‌های الکترونیکی، مفروض تلقی می شود. در ماده ۲-۷۴۸ به لزوم تصریح گیرنده به استفاده از این شیوه اشاره نموده است و نیز در ماده ۳-۷۴۸ اعلام الکترونیکی وصول اسناد از سوی گیرنده را جایگزین رویت، مهر یا امضا تلقی نموده است. ماده ۶-۷۴۸ به لزوم حفظ امنیت و محرمانگی و قابلیت اعتماد اسناد اشاره شده است. به موجب ماده ۱۵ تصویب نامه شماره ۲۰۰۹-۱۵۲۴ مورخ ۹ دسامبر ۲۰۰۹ این مقررات در مورد پژوهش خواهی نیز اجرا می گردد (همان، ۲۰۰۳-۳۰۰). در دادگاه‌های استرالیا از سال ۲۰۰۱ پرونده‌ها و اوراق قضایی الکترونیکی شد. البته تکنولوژی به کمک دادگاه‌ها آمده نه اینکه جایگزین آن شود. و از سایت‌های اینترنتی به منظور ارائه مطالبی در تقدیم دادخواست و مدارک لازم برای طرح و پیگیری دعاوی، سیستم‌های پاسخگویی، استیناف الکترونیکی در دادگاه‌های پایین، ارائه خلاصه‌ای از روند و جریان رسیدگی به قاضی و طرفین دعوا، زمان بندی اوقات دادرسی، ارائه ویدئو برخی محاکمات علنی، ایجاد ارتباط سیستمی بین کلانتری، پلیس، دادگاهها و زندان‌ها برای جلوگیری از تغییر اطلاعات و سرعت در آن، کتابخانه‌های الکترونیک و رونوشت احکام

استفاده می شود (Sheryl & MacDonald, 2004, 38-60). در دادگستری بلژیک به منظور کم کردن حجم زندانیان، از تکنولوژی در مرحله پیش محاکمه استفاده می شود. به این ترتیب که با استفاده از تکنولوژی در تحقیقات اولیه و اقدامات پیش از محاکمه، سرعت رسیدگی افزایش یافته و در نتیجه متهمین مدت کمتری به عنوان مظنون در بازداشتگاه ها و زندان ها خواهند بود (mae&mine&deman&vanbrakel, 2012: 3-22). در نیوزلند با توجه به وجود ظرفیت های لازم - همچون جمعیت پراکنده در منطقه ی جغرافیایی محدود، یگانگی فرهنگی، اشتیاق عمومی در به کارگیری فناوری و منطقه زمانی واحد، مدرنیزه کردن دادگاهها از سال ۱۹۹۸ آغاز شد و در سال ۲۰۰۰ سایت دادگاهها ارتقا یافت. مدرنیزه کردن بیشتر در تشکیل دادگاه به صورت ویدئو کنفرانس، ارائه ی شهادت، مدیریت پرونده ها، دسترسی مردم و سازمان ها و ارگان های مرتبط به اطلاعات قضایی و به طور کلی استفاده در پروسه ی شکلی دادرسی بوده است (mckechnie, 2003, 138-139). در اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، در بند هفت اصل پنجم در زمینه ی ابلاغ مقرر شده: «طرفین می توانند به موجب قرارداد مشترک یا با اجازه ی دادگاه، از شیوه های ارتباطی سریع نظیر وسایل ارتباط از راه دور استفاده نمایند». تحقق اصل هفتم در ارتباط با سرعت در دادرسی و اصل بیست و نهم در مورد اجرای موثر و اصل سی و یکم در ارتباط با تعاون قضایی مستلزم استفاده از فناوری می باشد. گویا نویسندگان اصول با توجه به جایگاه فناوری در زندگی مردم، دقیق تر به واقعیات اجتماعی نگریسته اند از این رو به نظر می رسد با فراغت بال بیشتری به سمت این ابزارهای نوین تبادل اطلاعات روی آورده اند (محسنی و غمامی، ۱۳۹۲: ۲۳).

۲-۳- وضعیت کشور ایران

در ایران، قانون برنامه چهارم توسعه، قوه ی قضائیه را مکلف به طرح و راه اندازی نظام جامع اطلاعات (M.I.S)^۴ به منظور پیشبرد بهتر امور قضایی نمود. انجام مراحل تحقیقاتی و مهندسی پیچیده سرانجام در سال ۸۷ منجر به راه اندازی سیستم جامع اطلاعاتی شد که بخش پاسخگویی به متقاضیان از طریق پایگاه اینترنتی www.judcms.ir بود. لازم به ذکر است در ماده ۳۵ آیین نامه ی شوراها ی حل اختلاف مصوب ۱۳۸۸ در زمینه ی ابلاغ استفاده از فناوری های ارتباطی پیش بینی شده بود. بند ح ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۸۹/۱۰/۱۵ صراحتاً به مدیریت پرونده های قضایی اشاره داشت. به این ترتیب آیین نامه ارائه ی خدمات الکترونیکی قضایی مصوب ۹۱/۳/۲۲ قوه ی قضائیه - با اذعان به عدم امکان انکار اعتبار اطمینان بخش اطلاعات الکترونیک - با چند هدف اقدام به پیش بینی استفاده از خدمات قضایی در فضای مجازی نمود. اول، جلوگیری از اطاله ی دادرسی و تسریع در امور جاری محاکم که بی شک این اولین و مهم ترین هدف در این بحث می باشد که رسیدن به آن از طریق تشریفات زدایی مادی میسر است (رضایی نژاد و محسنی، ۱۳۹۱: ۱۲). دوم، پیشگیری از وقوع جرم که در آغاز شاید این هدف گنگ و بی ربط به نظر آید اما به دلیل تسریع در رسیدگی به دعاوی، سهولت در دسترسی به محاکم، امکان پیگیری از راه دور دعاوی، افراد جامعه کم تر به سراغ نقض قوانین خواهند رفت که در بحث کیفری این هدف نهایی است و در بحث مدنی این امر به جلوگیری از ایجاد اختلاف تعبیر می شود. در ادامه به ظاهر دو راه برای طرح دعوا به صورت الکترونیک پیش بینی شده است که به ترتیب زیر است:

۱- درگاه خدمات الکترونیکی: در این روش مراجعه کننده پس از ورود به درگاه خدمات الکترونیک قضایی (به آدرس: www.adliran.ir) جهت ثبت دادخواست یا شکواییه اقدام می نماید و پس از تکمیل اطلاعات مورد نظر، کد رهگیری دریافت نموده و به نزدیک ترین دفتر خدمات

⁴ Management Information System or Management Information Service

قضایی مراجعه می نماید و پس از احراز هویت، ارائه مدارک و منضمات و پرداخت هزینه‌های مربوطه دادخواست یا شکواییه به مرجع صالح ارسال می گردد.

۲- دفاتر خدمات الکترونیک قضایی: در این روش مراجعه کنندگان پس از انتخاب نزدیکترین دفتر خدمات قضایی با ارائه اطلاعات و مدارک مورد نیاز دادخواست یا شکواییه خود را طرح می نمایند. متصدی دفتر، مدارک و اطلاعات مربوط را از شخص دریافت کرده و متن دادخواست را ثبت می نماید. پس از وارد نمودن تمامی اطلاعات فوق و محاسبه هزینه دادرسی، متصدی دفتر از دادخواست نهایی شده، چاپ تهیه نموده و به تایید شخص می رساند و پس از پرداخت هزینه دادرسی به مرجع قضائی صالح رسیدگی کننده به دادخواست، ارسال می نماید (همان، ۱۳۹۱: ۱۲). با کمی تامل می بینیم برای دسترسی به این خدمات، افراد در نهایت باید به دفاتر خدمات الکترونیک مراجعه نمایند و این فرض به ذهن می رسد که با این تدبیر جمعیت خواهان اقامه کننده دعوا از دادگاه ها به دفاتر خدمات الکترونیک منتقل شده اند و در عمل حجم کاسته شده از مراجعات حضوری ناچیز است. البته باید پذیرفت با امکان مراجعه به نزدیکترین دفتر خدمات و در ادامه تعیین مرجع صالح به رسیدگی توسط سامانه، اقامه دعوا در بدو امر آسان تر و سردرگمی در تشخیص دادگاه صالح توسط مردم عادی ناآشنا به قواعد صلاحیت کاهش یافته است. خدمات ارائه شده از این درگاه عبارتند از: ارائه و پیگیری دادخواست، شکواییه، اظهارنامه و لایحه، ارایه مدارک و مستندات پرونده، اطلاع رسانی پرونده، اطلاع از آخرین وضعیت پرونده، رویت خلاصه موضوعات پرونده، مشاهده رونداکار پرونده، مشاهده ردیف های فرعی پرونده، رویت آخرین موضوع پرونده (عنوان خواسته / اتهام) و محاسبه هزینه دادرسی در مورد وضعیت خوانده. در ماده ۷ اشاره شده است که ابلاغ از طرق الکترونیکی به وی صورت می گیرد و مرجع قضایی مکلف به دلالت او به این موضوع شده است و در بند اول این ماده در فرضی که خواهان نشانی الکترونیک از خوانده ندارد یا حتی خوانده مجهول المکان است، استفاده از روش های فیزیکی معمول پیش بینی شده است. در ماده ۸ مفاهیم جدیدی در ابلاغ واقعی و قانونی به چشم می خورد. با مراجعه خوانده به پرونده در سامانه و تایید با امضای الکترونیک ابلاغ واقعی و در غیر این صورت قانونی است. البته با در نظر گرفتن اینکه خوانده در اغلب موارد به دنبال طولانی کردن دادرسی و عقب افتادن جلسات است، مراجعه اختیاری وی و تایید با امضای الکترونیک کمی غیر منطقی است و دادگاه را بیشتر با ابلاغ قانونی مواجه می کند تا واقعی. پیش بینی ماده ۱۰، در مورد اشخاص مرتبط وابسته و غیر وابسته به دادگستری، در خصوص الزام به ارائه اطلاعات از طرق الکترونیک، در بحث سهولت دسترسی و حذف تشریفات استعلام اطلاعات بسیار مفید خواهد بود. با توجه به این موارد استفاده از روش های الکترونیک در مراحل تقدیم دادخواست - البته به جز دعوی کیفری، در مواردی که امکان تشکیل پرونده به صورت الکترونیکی در ابتدای امر ممکن نیست (ماده ۱۲)- و ابلاغ، اجباری است و دادگاهها از پذیرش مستقیم اوراق دادخواست خودداری می کنند. علاوه بر آیین نامه‌ی مذکور قانون دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیک مصوب ۹۳/۷/۸ بخش نهم این قانون مربوط به دادرسی الکترونیک است و مواد ۶۴۹ تا ۶۶۳ را به خود اختصاص داده است. به طور کلی مواد این قانون را می توان در چند بحث بررسی کرد.

اول: تعیین وظایف اشخاص وابسته به دادگستری، در راستای عملی کردن دادرسی الکترونیک با پیش بینی شورای راهبردی دادرسی الکترونیک و و راه اندازی مرکز ملی داده های قوه قضاییه، مکلف کردن دستگاه های مرتبط با قوه قضاییه در قرار دادن اطلاعات خود در این مرکز و البته روزآمد نگاه داشتن این اطلاعات، پیش بینی شبکه ملی عدالت به منظور ساماندهی استعلامات قضایی، موظف نمودن قوه قضاییه به گسترش درگاه اینترنتی دادگستری استان ها و توضیح تفصیلی نحوه ارائه خدمات در این درگاه و نیز موظف شدن قوه قضاییه در آموزش فناوری الکترونیک به اشخاص وابسته به دادگستری. این پیش بینی ها افق روشنی در آینده قضایی کشورمان تداعی می کند، چرا که رسیدن به عدالت نیاز مند ابزار کارآمد است. اما این به معنی کامل و بی نقص بودن این پیش بینی ها نیست. در مورد ترکیب اعضای شورای راهبردی دادرسی الکترونیک این نکته به ذهن می آید که هدف از ایجاد این شورا تسهیل در پیشبرد دادرسی الکترونیک است. دادرسی الکترونیک ترکیب وصفی تشکیل شده از دادرسی و الکترونیک است، یعنی برای تحقق آن هم به عنصر دادرسی و هم عنصر الکترونیک نیاز است اما



۹۰ درصد اعضای شورا از کارکنان قوه قضاییه و غیر متخصص در امر فناوری هستند. تنها اعضای مرتبط با فناوری در این شورا، رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه و وزیر ارتباطات و اطلاعات است که تخصص این افراد در بحث مدیریت فناوری است و نه خود فناوری. به طور کلی مواد اولیه ایجاد سامانه‌های پیش بینی شده در این قانون چیزی جز پرونده‌های قضایی، اسناد و مدارک این پرونده‌ها – چه از سوی طرفین و چه از سوی سازمان‌ها و ارگان‌ها ارائه شده باشند – و آراء قضایی نیست. به جای پیش بینی چند سامانه شاید بهتر بود همه‌ی این اطلاعات تحت مدیریت یک سامانه قرار بگیرد و از این سامانه‌ی مادر چند زیر مجموعه با توجه به اهداف پیش بینی شده ایجاد شود. آنچه در مواد این بخش از قانون آورده شده با توضیحی که در شرح وظایف و اختیارات شورا بیان شده نشان می‌دهد این پیش بینی‌ها، در حوزه‌ی اختیارات شورا بوده و بهتر بود طبق قانون، تصویب و بررسی آن‌ها به شورا واگذار می‌شد تا اینکه خود قانون‌گذار در صلاحیت سیاست‌گذاری شورا مستقیماً دخالت نماید.

دوم: در ارتباط با اشخاصی که به دادگستری مراجعه می‌کنند، اعتبار بخشیدن به محتوای اسناد الکترونیک، گسترش دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، کمک به شهروندان در استفاده از خدمات الکترونیک قضایی، پیش‌بینی تشویقی در استفاده از خدمات الکترونیک، تمهیدات به منظور گسترش امضای الکترونیک، پیش‌بینی فناوری در ارائه‌ی برخی دلایل. به نظر می‌رسد این قانون با توجه به پیش‌بینی سیاست تشویقی استفاده از خدمات الکترونیک قضایی را اختیاری می‌داند این در حالی است که با توجه به آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی استفاده از سامانه اینترنتی برای مراجعه‌کنندگان اجباری است. این قانون در مواد مختلف بر لزوم حفظ امنیت اطلاعات قضایی تأکید کرده و حتی در مواد ۶۶۰ و ۶۶۱ برای اخلاگران مجازات تعیین نموده است. از سوی دیگر استفاده از ظرفیت بخش خصوصی اگرچه در ارائه بسیاری خدمات دولتی امکان‌پذیر است اما اطلاعات دولتی و اطلاعاتی که افراد در اختیار قوه قضاییه به عنوان امین خود قرار می‌دهند، امری نیست که بتوان با اعتماد به بخش خصوصی به آن واگذار نمود.

۳- کاربرد فناوری در جریان دادرسی مدنی

۳-۱- رابطه با اشخاص

در ارتباط با کارکنان دادگستری، قضات دادگاه برای اطلاع از جریان پرونده با ملاحظه‌ی صفحه و پروفایل مربوط به آن دعوا، وقت کم‌تری به پرسش و پاسخ از طرفین به همین منظور در جلسه دادرسی اختصاص می‌دهند، مدیر دفتر دادگاه با الکترونیکی شدن تقدیم دادخواست و ظایف سبک‌تر می‌شود، به این نحو که ایرادات شکلی دادخواست با خط‌هایی که سیستم به خواهان در زمان تنظیم الکترونیکی ارائه می‌دهد کلاً منتفی می‌شود. در رابطه با تعیین وقت رسیدگی این امر از کارهای اولیه ایست که از یک سیستم اطلاعاتی می‌توان انتظار داشت، البته امور اتفاقی – عذر موجه عدم رعایت مواعد – با تدبیر مدیر دفتر قابل رفع می‌باشد. مامورین ابلاغ دادگستری اگر علاوه بر ارسال پستی دادخواست از شیوه‌های متناسب با خواننده استفاده نماید، نوعی محکم کاری است که روند رسیدگی را به دلیل عدم اطلاع خواننده به تاخیر نمی‌اندازد؛ به این معنا که تعیین شغل و پیشه‌ی خواننده در این امر کارگشاست. روش ابلاغ الکترونیک به کارمند دولت با تاجری که ماه به ماه در ایران حضور ندارد نباید به یک شکل باشد. بنابراین با توجه به گزینه‌ی تعیین شغل خواننده، برگه‌ی ابلاغ را به صورت الکترونیکی به محل مناسب ارسال کند. به طور کلی در بحث تعیین نوع ابلاغ در اکثر موارد باید به خواهان اعتماد کرد چرا که به نفع اوست جلسه‌ی دادرسی به دلیل عدم ابلاغ به خواننده تاخیر نیفتد. بحث دیگر استفاده از سیستم Delivery و در بعضی موارد Seen می‌تواند در تشخیص ابلاغ واقعی و قانونی الکترونیک یاری‌کننده باشد.

اشخاص مرتبط با دادگاه: حرکت به سمت الکترونیکی شدن بستگی زیادی به همکاری ارگان های مرتبط دارد، هم از لحاظ استفاده کردن از فناوری و هم از نظر قانون گذاری به منظور سازماندهی و یکنواخت سازی در استفاده از این ابزارها. بخش های قضایی شامل پلیس، متولیان اقدامات تامینی و تربیتی، ارائه دهندگان خدمات حقوقی و غیره، هر یک از این سازمان ها نیازمند دسترسی به قوانین و مقررات و رویه های دادگاهها هستند. به اشتراک گذاشتن اطلاعات دادگاهها با این موسسات، به خصوص پلیس بسیار اهمیت دارد. این موضوع در ماده ۶۵۱ قانون دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیک پیش بینی شده است. اما اصحاب دعوا، در ارتباط با خواهان، تقدیم دادخواست و ارائه مدارک و مستندات دعوا اقدامات تامینی و غیره، بوسیلهی روش های غیر کاغذی امکان پذیر است به این نحو که در تقدیم دادخواست، موارد به صورتی جزئی تر تعیین شود یعنی استعلام هویت خواهان، از طریق کد ملی و شناسایی اقامتگاه، از طریق کد پستی میسر شود تا اطلاعات غلط، مانع جریان دادرسی نگردد. در ارتباط با خواننده، زمانی که دادخواست به او ابلاغ می شود، امکان دسترسی به اطلاعات پرونده به شکل الکترونیک را داشته باشد و ارائه لوایح و مدارک وی از طریق الکترونیک، به شکلی که قاضی بتواند به آن دسترسی داشته باشد و از جهتی خواهان هم مطلع گردد اما به میزانی که به ضرر خواننده نباشد. در واقع با اختصاص یک صفحه به هر دعوا و دسترسی آسان طرفین به آن، شاهد رعایت تام حقوق دفاعی و اصل تقابلی بودن دادرسی خواهیم بود.

۳-۲- در جریان دادرسی

۳-۲-۱- رسیدگی عاری از طواری

زمانی که ارائه دادخواست با تمام شرایط شکلی آن از طریق سیستم های رایانه ای صورت گیرد، در صورتی که ثبت دادخواست مستلزم وارد کردن اطلاعات لازم قانونی باشد، صدور قرار رد دادخواست به دلیل ایرادات مقرر در مواد ۵۱ و ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی، موضوعا منتفی خواهد بود. همچنین ارسال مدارک، پیگیری پرونده و تعیین دادگاه صالح با استفاده از اطلاعات وارد شده از طرف خواهان توسط سیستم ها میسر است. مواعد قانونی با توجه به تعریفی که قانون از معیارهای تعیین موعده ارائه می دهد، قابل اعمال در سیستم هاست و مواعد قضایی نیز، قابل اعمال در سیستم های تعیین موعده می باشد تا توانایی نامحدود از لحاظ زمانی سیستم ها، با اعمال این محدودیت ها کاربردی تر شود (همان، ۱۳۹۱: ۱۴).

۳-۲-۲- طواری رسیدگی

۳-۲-۲-۱- مربوط به ادله

دلایل مورد بحث در دادرسی مدنی به شرح زیر است:

۱-۱- اقرار: این بحث همواره مطرح است که آیا مثلا یک فیلم ضبط شده از واقعه یا صدای ضبط شده ی فرد که مشتمل بر اقرار است، می تواند به اندازه ی اقرار شفاهی زنده، قابل اعتماد باشد. باید اشاره کرد که اگر فناوری در دنیای امروز غیر قابل اعتماد و دروغ پنداشته شود، بسیاری امور مختل می شوند، هر چند این مسئله که می توان خلاف واقع بودن آن را ثابت کرد، غیر قابل انکار است.

۲-۱-شهادت و سوگند: در آمریکا، برای نخستین بار حمایت از شهود در دهه ۱۹۷۰ میلادی در قانون کنترل جرایم سازمان یافته، مورد توجه قرار گرفت. به دنبال آن، دیگر کشورها چون فرانسه، انگلستان و آلمان نیز در زمینه حمایت از شهود، برای کشف جرایم شدید احساس نیاز کردند و قوانینی را در این زمینه به تصویب رسانیدند. (مهدوی پور، ۱۳۹۱: ۱۳۶). شهادت دروغ در جوامع امروزی بسیار رایج شده است و اگر شهادت از طریق وسایل جدید صورت گیرد، معلوم نیست که چه مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد. شهادت و سوگند از دلایلی است که باید به صورت زنده ارائه شود و در واقع نحوه ارائه - در صورت رعایت تشریفات قانونی- قابل خدشه نیست و آنچه در جرح شاهد یا رد سوگند با دلایل دیگر می آید، مربوط به محتوای این دلایل است. حال اگر شهادت و سوگند الکترونیک را مانند حالت ارائه‌ی زنده آن‌ها بپذیریم بار اضافی بر دوش دادگستری در احراز مورد وثوق بودن نفس این دلایل تحمیل می‌شود و در این فرض فناوری به جای اینکه دادرسی را تسریع نماید، سبب اطاله‌ی آن می‌شود. این امر در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۶۵۹ قانون دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیک هم مورد اشاره قرار گرفته است. البته مبحث شهادت بر شهادت می‌تواند از مواردی باشد که استفاده از فناوری در تسهیل آن مورد استفاده است. پرسش از شهود که در ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده است، حق طرف دعواست و به نظر می‌رسد فلسفه‌ی وجودی آن به جوشش درآوردن وجدان شاهد برای بازگویی حقیقت باشد و این امر ممکن نیست مگر اینکه شاهد حضور فیزیکی در دادگاه داشته باشد.

۳-۱-سند: ارائه سند مربوط به دعوا در مرحله‌ی تقدیم دادخواست و تشخیص اصالت سند از شیوه‌های الکترونیکی که امروزه نیز توسط کارشناسان رایج است، دو امر مرتبط با این دلیل مهم در دادرسی هستند. در آمریکا به منظور سهولت در رسیدگی به پرونده‌های تخلفات پزشکان در ارتباط با بیماران این پیشنهاد در میان دکتترین مطرح است که پرونده‌ی بیماران و روند درمانی آن‌ها، به صورت الکترونیک ثبت گردد تا به عنوان سندی مورد وثوق در حمایت یا محکومیت پزشک معالج خواهد بود (2: miller&tucker, 2011).

۴-۱- کارشناسی و معاینه و تحقیق محلی: ارائه و ابلاغ نظرهای کارشناسی به صورت الکترونیکی، در پرونده و در اختیار طرفین دعوا و امکان اعتراض و پیگیری آن و تودیع دستمزد کارشناس از این طریق، می‌تواند در تسریع دادرسی، موثر باشد. این امر در ماده ۱۰ آیین نامه‌ی ارائه‌ی خدمات الکترونیک قضایی نه تنها برای کارشناسان بلکه سایر افراد مرتبط با دادگستری مطرح می‌باشد.

۲- سایر موارد

۲-۱-دعای طاری: طرح و رسیدگی به دعوی متقابل و اضافی با الکترونیکی شدن روند دادخواست، آسان‌تر خواهد شد و از طرفی تجدید جلسه به دلیل عدم اطلاع طرف مقابل از محتوا و دلایل دعوا منتفی می‌گردد.

۲-۲-ایرادات: خواهان و خوانده با دسترسی الکترونیکی به پرونده، می‌توانند ایراداتی که باید تا اولین جلسه دادرسی مطرح نمایند مانند تعرض به اصالت سند و اعتراض به بهای خواسته یا استرداد دادخواست، را به صورت الکترونیکی ارائه و حتی قاضی و مدیر دفتر دادگاه تا اولین جلسه به آن رسیدگی و آن را برطرف نمایند. در مورد ایراداتی که در اولین جلسه یا بعد از آن قابل طرح است، با امکان مطرح کردن آن در جریان پرونده‌ی الکترونیک و دسترسی طرف مقابل به آن، حقوق دفاعی طرفین نیز حفظ خواهد شد.

۲-۳-در جریان رسیدگی: در موارد زوال دادرسی، چه به دلیل انتفای حق مورد ادعا یا فوت یکی از اصحاب دعوا در دعوی مربوط به حقوق شخصی یا استرداد دعوا باشد، که هر یک مستلزم صدور قرار خاصی است؛ این امر مستقیماً با اطلاعات موجود در سیستم ممکن است، زیرا نیاز به رسیدگی ماهوی ندارد و تنها نظارت مقام مطلع را می‌طلبد.

۳-۲-۳- آیین های ویژه

در دستور موقت، گوشزد کردن مهلت طرح دعوی اصلی به خواهان و نیز برطرف کردن آن در صورت عدم طرح به موقع دعوا و همچنین دریافت تامین مناسب و تایید رئیس حوزه قضایی و تشخیص صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده در صورت ملک و مال غیر منقول بودن موضوع، از طریق سیستم امکان پذیر است اما تشخیص و احراز فوریت، امری ماهوی و وجدانی است که به صلاحدید دادگاه بستگی دارد. تشخیص بعضی از شرایط درخواست تامین خواسته، یعنی معلوم و عین معین و از مستثنیات دین نبودن، از طریق سیستم امکان پذیر است اما تشخیص قابلیت بازداشت امری ماهوی است. تامین خواسته، در موارد بدون اخذ تامین غیر از موردی که به بررسی تضييع و تفریط نیاز دارد، امکان شکایت طرف مقابل به تامین و نیز در فرض لزوم جبران خسارت و امکان شکایت خوانده، استفاده از سیستم می تواند کارگشا باشد. سازش و داوری باید با توجه به شرایط حاکم بر طرفین یا هر دعوا، می تواند متفاوت باشند اما اینکه بتوان از فناوری، در جهت تسهیل سازش بین افرادی که از هم فاصله دارند یا وقت لازم برای حضور در جلسه را ندارند، امری بدیهی است. شیوه های جایگزین حل و فصل اختلافات شامل داوری، میانجیگری، سازش و ارزیابی بی طرفانه مقدماتی هستند (غمامی و محسنی، ۱۳۹۲: ۱۶۳) استفاده از فضای مجازی برای حل اختلاف از طریق عدم مراجعه مکرر طرفین به دادگستری و روش های حل اختلاف خارج از دادگاهها، موسوم به ADR⁵ و ODR⁶ امری رایج و بسیار کارآمد است به خصوص زمانی که طرفین از چند کشور باشند، حل اختلاف در فضای مجازی به صرفه و منطقی خواهد بود. (heuvel, 1997: 8,9)

۳-۲-۴- طرق شکایت از آرا

تشخیص جهات شکایت، مطرح شدن در مهلت مناسب، درخواست و موارد مشابهی که در دادرسی نخستین وجود دارد، قابل انجام از طریق سیستم هاست. در هر صورت استفاده از فناوری اطلاعات، در همه مراحل دادرسی لازم و یاری کننده در کوتاه کردن مدت زمان دادرسی خواهد بود. البته باید توجه داشت، امکان برخورداری آسان از اطلاعات از طریق اینترنت همیشه مطلوبیت لازم را ندارد. بررسی ها در وب سایت های سه سیستم قضایی نشان می دهد تطابق و هماهنگی چهار عنصر سازمان ارائه دهنده خدمات وب سایت، دسترسی به اطلاعات، محتوای اطلاعات و کاربران، سبب ارتقای کارایی خواهد شد. (vlicogna, yein ng, 2006: .370)

⁵ Alternative disput resolution

⁶ Online disput resolution

۴- نتیجه گیری

به طور کلی استفاده از فناوری تنها در بخش‌های شکلی رسیدگی امکان پذیر است، با این حال در همین بخش هم به اعمالی بر می خوریم که به دلیل برخی ویژگی‌ها، استفاده از فناوری در آن مورد نظر نیست. شهادت، سوگند و اقرار از این دست مواردند چراکه این امور به صورت زنده و دیداری، برای محاکم چندان مورد وثوق نیست چه برسد به اینکه به صورت الکترونیکی هم کاربرد آن ساده‌تر شود. با این کار، بخشی از نیرو و وقت رسیدگی، باید صرف جرح و ایراد طرف مقابل به صحت و سقم ذات این اطلاعات صرف نظر از محتوای آنها شود. استفاده از این خدمات، اگر برای افراد عادی اختیاری و بر حسب رضایت یا توافق و برای افراد مرتبط با دادگستری اجباری باشد معقول‌تر خواهد بود. استفاده از این ابزارها بوسیله قاضی، مدیر دفتر، واحدهای ابلاغ و اجرای حوزه‌های قضایی، اجرای احکام محاکم، وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی برای انجام وظایفشان ضروری است. اگرچه امروزه در بیشتر نقاط کشور دسترسی به اینترنت میسر شده است اما باید توجه داشت بسیاری افراد هستند که از کاربرد اینترنت در زندگی روزمره خود محروم یا بی نیاز هستند، به این معنا که استفاده از فناوری نباید در یک سطح مساوی و به صورت اجباری برای عموم ارائه شود. افرادی هستند که به سطح بالاتری، مثلاً در حد تشکیل دادگاه با ویدئو کنفرانس نیازمندند. پیش بینی مقرراتی در جلوگیری از بی نظمی و عدم همانگی مسئله‌ی مهم دیگر است. تفکیک شعب دادگاه‌ها، راه حل این بی نظمی خواهد بود به این معنا که شعب الکترونیک مجهز به سیستم‌های پیشرفته، به منظور برآورد نیازهای طرفین دعوی که می‌خواهند با تکیه بر فناوری پیشرفته‌تر دادرسی صورت گیرد، اختصاص یابد و شعب دیگری در سطح ابتدایی از این تجهیزات برخوردار باشند تا افراد عادی ناآشنا هم بتوانند با مراجعه حضوری پیگیر دعوی خود باشند. بحث دیگر که به ذهن می‌آید، در مورد نیروی انسانی شاغل در دادگستری، با وجود انجام بخشی از وظایف بوسیله سیستم‌های مربوط است. فناوری باعث دانشی شدن نیروی انسانی خواهد شد و با استفاده از آن در یک سازمان سبب می‌شود نیروی دانشگر جایگزین نیروی یدی و غیر دانشگر شوند. (قلی پور، ۱۳۹۰: ۱۴۶) بنابراین وجود مشاغلی همچون سباط و بایگان غیر منطقی خواهد بود. از سوی دیگر نیاز به نیروی انسانی ماهر و متخصص در زمینه‌ی فناوری احساس می‌شود. در نهایت باید یادآور شد به منظور پیشبرد این اهداف قوه‌ی قضاییه امکان خصوصی سازی صرف در بخش‌های مختلف را ندارد. دستگاه قضا همواره با نوعی محرمانه بودن همراه بوده است، پس نمی‌توان اطلاعات دعوی افراد جامعه را در اختیار بخش خصوصی قرار داد چرا که در صورت شایع شدن اطلاعات با نوعی بی نظمی روبه رو خواهیم بود.

References

1. Regulations on Electronic Judicial Services, approved on 2012 by the Head of the Judiciary, Official Gazette of the Islamic Republic of Iran, Year 68, No. 19597, dated 2012. **[In Persian]**
2. Doroudi, F. (2010). Applications of Information Technology: Strategic Planning for Information Technology, in: Ketab-e-Mah-e-Elm va Fan, No. 125. **[In Persian]**
3. Rahmatollah, Gh. (2004). The Impact of Information Technology on Organizational Structure and Workforce Structure, in: Farhang-e-Modiriyat, No. 7. **[In Persian]**
4. Rahmatollahi, H and Rezvan, Z. (2011). Emergence of Virtual States in the Age of Globalization, in: Private Law Journal, Vol. 8. **[In Persian]**
5. Zarkalam, S. (2012). Electronic Trials: Necessities, Requirements and Challenges, in: Criminal Law Teachings, No. 3. **[In Persian]**
6. Shams, A. (2011). Advanced Civil Procedure Law, Volume 2, Tehran: Darak Publications, 29th Edition. **[In Persian]**
7. Ghamami, M and Mohseni, H. (2013). Formal Civil Procedure Law, Tehran: Sherkat-e-Sahami-ye-Enteshar Publications, 3rd Edition. **[In Persian]**
8. Law on Criminal Procedure of Armed Forces and Electronic Trials, approved on 2014. Official Gazette No. 20297, Year 70, dated 2014**[In Persian]**
9. Mahdavi Pour, A. (2012). Methods of Protecting Witnesses Based on Communication Technologies, in: Jurisprudence and Communication Law, No. 3. **[In Persian]**
10. Mohseni, H and Rezaei Nejad, H. (2012). Judiciary and the Advancement of Information and Communication Technologies, in: Legal Studies Journal of Shiraz University, No. 2. **[In Persian]**
11. Mohammadian, S and Mohammadreza Pour, B. (2012). The Necessity of Establishing a Personal Identity File in the Criminal Trial Process in Iran, in: Legal Medicine Journal, No. 2-3. **[In Persian]**
12. Mohseni, H. (2006). The Concept of Procedural Principles and Their Interpretive Role and How to Distinguish Them from Procedural Formalities, in: Kanun va Vakil Journal, No. 192-193. **[In Persian]**
13. Mehr Afshan, A. (2011). Virtual Trials: A New Concept in Judicial Justice, in: Studies in Islamic Jurisprudence and Law, No. 5. **[In Persian]**
14. Mohseni, H. (2014). Civil Procedure Law in France, Tehran: Sherkat-e-Sahami-ye-Enteshar Publications, 3rd Edition. **[In Persian]**
- 15-Sheryl & MacDonald ,J.(2004).UsingThe Internet to Assist, court Processes :Delivery of Justice in an Electronic age,in: Reform 85
- 16- MC Kechnie, D.(2003).The Use of Internet by Courts and Judiciary: Finding From a Study Trip and Supplementary Resarch ,in: International Journal of law and Technology



- 17- . Miller, A R,Tucker, C,(2011). Electronic Discovery and the Adoption of Information Technology
- 18- Maes, Eric, M,B and De Man, C and Van Brakel ,R .(2012). Thinking about Electronic Monitoring in The Context of Pre-trial Detention in Belgium, in: European Journal of Probation University of Bucharest
- 19- MC Kechnie, D. (2003). The Use of Internet by Courts and Judiciary: Finding From a Study Trip and Supplementary Resarch ,in: International Journal of law and Technology, 2003.
- 20- Vlicogna, M and Yein Ng, G.(2006) .Legitimacy and Internet in the Judiciary: A Lesson From the Italian Courts' Websites Experience, in:International Journal of Law and Information Technology
- 21- Heuvel ,E. (1997). Online Disput Resolution as a Solution to Cross-Bordr E-Disputes, in:law in a digital world